

بسم الله الرحمن الرحيم

بزرگترین مانع دموکراسی در جوامع اسلامی

می دانیم که همه خلفای جهان اسلام درست همچون شاهان می زیستند و حکومتشان موروثی بود یعنی سلطنتی! و این سنت حکومت دینی در میان اهل سنت است که شاه قلدر و خونخواری را خلیفه خدا می خوانده اند که اطاعت از او امر واجب بوده و هر که از آن سرپیچی می کرد مرتد و خونش مباح می شد و لذا گروه کثیری از اهل سنت حتی امام حسین(ع) را مرتد می دانستند زیرا از امر خلیفه زمان سرپیچی کرده بود. حتی حدیثی هم به همین مضمون به رسول اکرم نسبت میدهند که هر که حاکم وقت را اطاعت نکند مرتد است!!

و اما جماعت شیعه که همواره تحت ستم حکام و خلفای اهل سنت بودند نیز تفکری مشابه داشتند زیرا امامان خود را خلیفه و شاه می دانستند و لذا معتقدند که حق همه امامان شیعه خورده شده است و این تهمتی ناحق است زیرا نور امامت غیر از خلافت و سلطنت است. اگر خلافت سیاسی همان امامت می بود علی(ع) برای کسب آن جهاد می کرد تا حق خدادادی خود را بدست آورد در حالیکه هرگز چنین نکرد و خلافت پنج ساله اش را هم به زور و اکراه پذیرفت و ارزش آنرا از آب دماغ بزی هم پست تر خواند.

ولی شیعیان در طول تاریخ و حتی در عصر غیبت امامشان هم در انتظار ظهور امام زمان جهت سلطنت و حکومت جهانی هستند یعنی امام خود را شاه می دانند و در غیر اینصورت اصلاً ارزشی برای امامت او قائل نیستند.

پس می بینیم که شیعه و سنی هر دو حاکمیت الهی را همان سلطنت می دانند و حتی جز سلطنت نمی شناسند. حال بگوئید چگونه چنین طرز فکری می تواند خواهان دموکراسی و حکومت مردمی و عدالت اجتماعی باشد مگر اینکه از دموکراسی هم نوعی سلطنت توقع داشته باشد. همانطور که انقلاب مردمی ۵۷ هم بسرعت تبدیل به سلطنت شد سلطنتی به نام ولایت مطلقه فقیه! با تشیع امام شاهی، راهی بسوی مردم سالاری نیست. این فهم واژگونه و ناحق موجب شده که ایرانیان و شیعیان و مسلمین هم از حقیقت دین بیگانه شوند و هم از حق عدالت اجتماعی یعنی دموکراسی. زیرا تعریف قرآن کریم از امامت و خلافت الهی بر روی زمین کاملاً بعکس این تصور شیعیان است. قرآن کریم، امام و خلیفه خدا بر روی زمین را به لحاظ مادی و دنیوی مستضعف ترین انسان جهان خوانده است و اینست آن سرّی که عامه شیعیان از فهمش بیگانه مانده اند و لذا هم دستشان از امام هدایت کوتاه مانده و هم از عدالت اجتماعی در دنیا. و این مصداق خسرالدنیا و الآخره است. اینست مسئله!

علی اکبر خانجانی

۱۴۰۰/۱۱/۱۲